

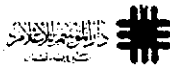
نگاهی به کتاب

معجم الدراسات القرآنية عند الشيعة الإمامية

عبد الجبار رفاعی

مترجم: عباسعلی براتی

معجم الدراسات القرآنية
عند الشيعة الإمامية



دانشمندان دیگر این کار را ادامه دادند و سرانجام کتاب در سال ۱۸۷۱ و ۱۸۷۲ میلادی در «لایپزیک» منتشر شد. کتاب «الفهرست» همواره مورد توجه محققان فرهنگ عربی اسلامی و خاورشناسان بوده است.

در عصر تألیف «الفهرست» و پس از آن، فهرستهای دیگری نیز برای ثبت و بازیابی میراث فرهنگی اسلام تدوین شد؛ نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق) کتاب «الفهرست اسما» مصنفی الشيعة را نوشت که به نام «رجال نجاشی» معروف است، و ویژگیهایی دارد که در زمان خود و دوره های بعد کم نظیر می نماید. نجاشی تنها به آوردن نام نویسنده بسنده نمی کند بلکه نسب و میهن و نیز عرب یا مولی بودن او را هم یاد می کند؛ همچنین جایگاه علمی او در زمان خویش و میزان وثاقت و درستی روایت او را برمی شمارد و سند خود را به مؤلف و کتاب یادآور می شود، و گاه به نوع کتاب و میزان اعتبار و حجیت آن توجه دارد؛ مثلاً می گوید: «کتاب بی اعتبار و مضری است»، یا «ما آن را نیافتیم» و یا غیر آن.

معجم الدراسات القرآنية عند الشيعة الامامية. عامر الحلوة. (چاپ اول: بیروت، دارالموسم للاعلام، ۱۴۱۱). ۳۹۹ص، وزیری.

مسلمانان از نخستین سده های تاریخ اسلامی، به اهمیت فهرستها و راهنماهای گوناگون پی برده و تألیفات مهمی در زمینه ثبت و بازیابی میراث اسلامی به جای نهاد اند. شاید کار این ندیم (۳۸۸ ق) مشهور به «الفهرست»، یکی از زیباترین و کهن ترین نمونه های این گونه کارها باشد. خاورشناسان از دیرباز این کتاب را شناخته بودند؛ نخستین بار در قرن هفدهم میلادی نسخه های خطی این کتاب از مصر به پاریس و از قسطنطنیه به لیدن، راه یافت. خاورشناس آلمانی «گوستاو فلوگل» (Gustav Flugel) ۲۵ سال تمام به آماده سازی این کتاب برای چاپ پرداخت.

وی در سال ۱۸۷۰ میلادی چشم از جهان فرویست ولی کار چاپ این کتاب هنوز به پایان نرسیده بود.

شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق)، نیز کتابی دارد به نام «الفهرست» که در آن حدود ۹۰۰ تن از نویسندگان شیعه و کتابهای آنها را نام می برد.

کار نوشتن فهرستها تا قرن یازدهم هجری ادامه داشت. حاجی خلیفه در سال ۱۰۶۷ قمری کتاب «کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون» را تألیف کرد. این کتاب یکی از کاملترین فهرستهاست که در حدود ۱۵۰۰۰ کتاب و رساله علمی در زمینه بیش از ۳۰۰ علم و فن و نام ۹۵۰۰ نویسنده را در بر دارد.

اسماعیل پاشای بغدادی، با نوشتن یک «تتمه» (پی نوشت) این کتاب را کامل کرد، او نام اثر خود را «ایضاح المکنون علی کشف الظنون» نهاد. این کتاب، نام ۱۹۰۰۰ تألیف تا آغاز قرن بیستم را در بر دارد.

سرانجام نوبت به محقق بزرگ، علامه شیخ آقابزرگ تهرانی رسید. او با صرف پنجاه سال از عمر گرانبهای خویش کتاب «الذریعة إلى تصانیف الشیعة» را در ۲۸ جلد به جهان عرضه داشت، که بزرگترین دائرة المعارف کتابشناسی در طول تاریخ اسلام است.

پس از آنکه علوم تخصصی شد و به رشته ها و شاخه های فراوان تقسیم گردید، تولید فکری در زمینه علوم مختلف رو به فزونی نهاد تا آنجا که مثلاً تنها تألیفات علم شیمی به ۲۵۰۰۰۰ اثر در سال رسید (این آمار به سالها قبل مربوط می شود).

از اینجا نیاز شدید به تهیه راهنما و فهرستهای موضوعی گوناگون برای علوم مختلف اسلامی نمایانتر شد. کاری که ابن ندیم آغاز کرد، اینک باید در سطح بسیار گسترده تری به وسیله محققان و دانشمندان، تکامل یابد، و مهارتهای جدید در علوم اسلامی - که در روزگار ما سخت گرفتار تکرار و مصرف کنندگی شده است - به کار گرفته شوند. اما متأسفانه امروز به کلی از نوآوری و

پی ریزی طرحهای جدید خبری نیست و اثری از رشد و تکامل در این علوم به چشم نمی آید.

بر پایه آنچه که گفته شد، می توان دریافت که فهرستهای کتابشناسی که بر پایه آمار و دسته بندی و ثبت و گزارش فعالیتها و اسلامی به زبانهای مختلف استوار باشد، تا چه حد اهمیت دارند.

تاکنون چندین فهرست کتابشناسی منتشر شده که برخی از آنها را می توان سرآغازی نیکو برای تأسیس بانکهای اطلاعات در زمینه علوم اسلامی به شمار آورد. برخی دیگر از این فهرستها تنها به گسترده کاری کار توجه داشته اند و کار کتابشناسی فنی را کمتر ارج نهاده اند؛ گویا تنها جنبه آماری در نظر آنها بوده است نه تلاش علمی و تحقیقی.

کتاب معجم الدراسات القرآنیة عند الشیعة الإمامیة نوشته سید عامر الحلو، نخستین تلاش، برای نشر آمار مربوط به فرهنگ قرآن و ثبت آثار این رشته در جهان شیعه است که در این مقاله به ارزیابی آن می پردازیم.

بی گمان، توجه نویسنده محترم به این موضوع نشان می دهد که وی از اهمیت و ارزش این فهرستها در زمان ما آگاه است، و از سوی دیگر وی پیشاهنگ و پیشگام تألیف در رشته فرهنگ مطالعات قرآنی در شیعه به شمار می آید.

ولی با این همه پس از بررسی سریع و سطحی این فرهنگ، نکاتی چند به نظر ما رسید که نخست در چاپ و نشر آن تردید داشتیم ولی سرانجام چنین پنداشتیم که آثار و تألیفات علمی، از آن همه اّمّت است و هر گونه نقد و بازنگری و اصلاح آنها خدمتی به میراث علمی اّمّت اسلامی به شمار می رود، از این رو نکاتی را ذیل چند عنوان یادآوری می کنیم:

۱ - عنوان کتاب از محتوای آن گسترده تر است
شیوه محققان کتابشناسی زمان ما این است که در فهرست

کردن تألیفات، کار خود را از چند جهت محدود می کنند:

الف: مقطع زمانی مورد بررسی

ب: زبان نگارش و تألیف

ج: نوع کتابها یا بحث و بررسیها

به این ترتیب می توان شمار بیشتری از منابع را گردآوری کرد و دایره استقراء را به استقراء تام نزدیکتر ساخت.

برخی دیگر از کتابشناسان که توانایی پیروی از روش فوق را ندارند، فهرستی از تألیفات گزیده در یک رشته را گرد می آورند و آن را «گزیده کتابشناسی» یا «نمونه کتابشناسی» در رشته خاص خود می نامند.

نویسنده محترم، هیچ یک از دو روش یادشده را به کار نبرده است؛ یعنی نه کتابشناسی خود را محدود به مقطع زمانی یا زبان خاصی ساخته و نه آن را «گزیده کتابشناسی» نامیده است، بلکه نام کتاب، «کتابشناسی مطالعات قرآنی شیعه امامیه» است. و بی گمان، تألیفات شیعه در رشته علوم قرآنی بسی بیشتر از آن است که وی در این کتاب گردآورده است؛ مثلاً «دارالقرآن الکریم» در قم، فرهنگی به نام «معجم مصنفات الشيعة حول القرآن» را در دست تهیه دارد که تاکنون حدود ۵۰۰۰ عنوان کتاب را در خود جای داده است.^۱ نویسنده این مقاله نیز تاکنون به ۱۰۰۰۰ عنوان کتاب درباره مطالعات قرآنی دست یافته که به یاری خدا در سالهای آینده به صورت یک فرهنگ، چاپ خواهد شد.

شاید علت این امر عجله و شتاب مؤلف در تدوین کتاب مذکور باشد، چون در پیشگفتار اشاره می کند که در سال ۱۹۸۳ میلادی کار خود را آغاز کرده و در سال ۱۹۸۵ به پایان برده است. روشن است که برای تألیف چنین کتابی باید وقت بیشتری صرف کرد؛ خاورشناس فرانسوی کارل بروکلمان، برای تألیف کتاب خود به نام «تاریخ الأدب العربی» پنجاه سال وقت صرف کرد، مرحوم شیخ

آقابرگ تهرانی نیز حدود همین مدت را صرف تألیف کتاب الذریعه نمود.

۲- یاد نکردن روش گردآوری اطلاعات

نویسنده محترم در مقدمه، کوشیده است در یک صفحه، قرآن کریم و شیعه امامیه را معرفی کند و کتابهایی را که درباره عقاید شیعه نوشته شده و برخی از بزرگان شیعه را که در علوم قرآن تألیفاتی دارند، برشمارد؛ ولی در آغاز یا پایان کتاب از روش تألیف و منابع اصلی داده ها و مطالب علمی کتاب و چگونگی تدوین آن، سخنی به میان نمی آورد.

مشهور است که پیشگفتار کتاب، همانند دروازه ای است که خواننده از طریق آن می تواند راه خود را به سوی مطالب کتاب باز کند، ولی پیشگفتار کتاب مورد بحث، به جای پرداختن به این امور، به مسائل دیگر پرداخته است.

۳- بی توجهی به کارهای قبلی

در تاریخ مطالعات علمی اسلامی، یک سنت علمی پدید آمده و آن اینکه نخستین اثر یا آثار علمی در هر رشته، به عنوان بنیانگذاران آن علم شناخته شده و کارهای بعدی در جهت تکمیل آن به حساب می آید و به همین سبب نامهای: حاشیه، ذیل، تکمله، تتمه و... درباره آنها به کار می رود. گاهی برخی از دانشمندان از پژوهشهای بنیادگذارانه فراتر می روند و آثاری دیگر فراهم می آورند؛ نهایت به آن پژوهشهای پیشین اشاره کرده و نمودهای نقص و کاستیهایش را برمی شمارند؛ مثل اینکه بر عرضه اندیشه گروه یا گروههای ویژه ای پرداخته و میراث دیگر طوایف را وانهاده است، و یا به شیوه غیر علمی نوشته شده و مانند آن.

در رشته علوم قرآن کتابهای زیر نیز تألیف شده است:

۱- معجم الدراسات القرآنية، نوشته خانم دکتر ابتسام مرهون الصفار، (موصل، انتشارات دانشگاه موصل، ۱۹۸۴م).

این کتاب به صورت رشته مقالاتی در مجله «المورد» بغداد به چاپ رسیده است.

۲- معجم مصنفات القرآن الکریم. نوشته دکتر علی شوآخ إسحاق. (ریاض، دارالرفاعی، ۱۴۰۳-۱۴۰۴ق). ۴ج.

این دو کتاب، بیشتر از فرهنگ آقای حلو تألیف شده است، و هر چند ویژه میراث فرهنگی شیعه امامیه نیستند ولی کوشیده اند تألیفات قرآنی مسلمین را گردآوری کنند (به ویژه کار خانم دکتر صفار نجفی).

شایسته بود که نویسنده محترم از این دو کار به عنوان مؤسس و بنیانگذار این گونه تألیف، یاد می کرد، و انگیزه تألیف فرهنگ ویژه تألیفات قرآن شیعه را نیز برمی شمرد.

۴- نادیده گرفتن مهمترین منابع در گردآوری اسناد کتابشناسان همواره مطالب خود را از کتابها و گزارشهای تحقیقی که در اختیار آنهاست؛ به دست می آورند، و اطلاعات توصیفی فراوانی را در اختیار خواننده می گذارند. گاه نیز برای دستیابی به مواد توصیفی از روش غیر مستقیم استفاده می کنند، و این زمانی است که دستیابی به این مطالب از راه مستقیم ممکن نباشد، در این هنگام بر منابع خاصی تکیه می کنند، مانند:

الف- فهرستهای ویژه کتابهای خطی

ب- فهرستها و راهنمای نشریات ادواری

ج- فهرستهای کتابهای چاپی، مانند:

معجم المطبوعات العربية و المعربة، نوشته یوسف الیاس سرکیس؛ اکتفاء القنوع بما هو مطبوع، نوشته ادوارد فنديک؛ معجم المطبوعات النجفية، نوشته محمدهادی الأمینی؛ فهرست کتابهای چاپ فارسی، نوشته خان

بابامشار؛ و فهرست المطبوعات العراقية (۱۸۵۶-۱۹۷۲م) نوشته عبدالجبار عبدالرحمن و قاموس الكتب به زبان اردو.

د- کتابهای طبقات و تراجم، که تألیفات هر شخصیت را نیز زیر نام او آورده باشند، مانند:

فهرست نجاشی؛ فهرست منتجب الدین؛ الأعلام، نوشته زرکلی؛ معجم المؤلفین، نوشته عمر رضا کحاله؛ معجم المؤلفین العراقيين نوشته کورکیس عواد و ...

ه- فرهنگهای کتابشناسی ویژه فهرست نگاری فرهنگی اسلامی مانند:

تاریخ الأدب العربي، نوشته کارل بروکلمان؛ تاریخ التراث العربي، نوشته فؤاد سزگین؛ مرآة الكتب، نوشته شهیدی تبریزی و ...

و- کتابهایی که تألیفات کشور خاصی را بررسی می کنند، مانند:

الثقافة الاسلامية في الهند، نوشته عبدالحی الحسینی؛ حركة التألیف باللغة العربية في الإقليم الشمالي الهندي، نوشته جمیل احمد؛ مصادر الفكر العربي الاسلامی فی اليمن، نوشته عبدالله الحبشی.

ولی یک نگاه گذرا به لیست منابعی که مؤلف آنها را مورد استفاده قرار داده (ص ۳۹۳-۳۹۴)، نشان می دهد که از هیچ یک از این منابع - که از آنها یاد کردیم - استفاده نشده است. بررسی خود کتاب نشان می دهد که نویسنده توجه نداشته که این منابع هزاران کتاب و مقاله علمی و قرآنی متعلق به شیعه را ثبت کرده اند.

۵- استفاده نکردن از نشریات مهم و روزنامه ها و

هفته نامه های معتبر و تخصصی

نشریات ماهانه، فصلی، نیم ساله و سالانه فراوانی وجود دارند که به بحثهای مهم و اساسی می پردازند و اغلب ارزش علمی آنها از ارزش کتابها کمتر نیست. به همین

نگارش و فهرست شدن را دارند و به ویژه به شیوه فهرست نگاری مقالات نزدیکتر هستند. راستی چرا مؤلف محترم همه این منابع را نادیده انگاشته و تنها اندکی از بسیار را آورده است؟

۷- استناد به سخنرانیها و نوارهای کاست

نویسنده محترم به برخی از درسهای ضبط شده سید محمدتقی مدرسی و شیخ حسن صفار و غیره استناد کرده است، به عنوان نمونه نگاه کنید به: ص ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲.

آیا درست است که یک فرهنگ و فهرست علمی بر پایه آمار نوارهای کاست استوار باشد؟! و آیا می توان چنین کاری را فرهنگ مطالعات قرآنی نامید؟!

به فرض که این نام زینده آن باشد، ولی چرا همه نوارهای علوم قرآنی را دربرداشته باشد. و همه منبرها و سخنرانیهایی را که علما و دانشمندان و شخصیتهای علمی در آن به بحثهای قرآنی اشاره کرده اند، شامل نشود؟

و چرا، سرغ نوارهای ویدیویی درسهای علوم قرآنی نرود؟!

۸- به کار نگرفتن نشریات ویژه کتابشناسی

نشریات ادواری فراوانی ویژه فهرست نگاری فعالیت های فکری منتشر می شوند که هر یک ذخیره ارزشمندی از داده های اساسی در کار کتابشناسی به شمار می آیند از جمله:

کتابشناسی، چاپ کتابخانه ملی، تهران؛ کتابنامه، چاپ وزارت ارشاد، تهران؛ الفهرست، چاپ بیروت؛ الکشاف الاسلامی، چاپ قبرس؛ عالم الکتب، چاپ ریاض؛ المورد، چاپ بغداد؛ المکتبه، چاپ مکتبه المثنی، بغداد و ...

و چنان که پیداست مؤلف درصدد نبوده از این

دلیل، کتابشناسان در بررسیها و فهرست نگاریهای خویش به این نشریات نیز توجه شایانی دارند. به عکس، ماهیت روزنامه ها اقتضا می کند که به گزارش اخبار و جریانات زودگذر و مقطعی پردازند و کمتر به بحثهای علمی و یا مطالعات و تحقیقات انجام شده توجه دارند.

ولی می بینیم که نویسنده محترم، مأخذ خود را روزنامه ها و مجلات هفتگی قرار داده است، و نشریاتی چون روزنامه «الجهاد»، چاپ تهران، «لواء الصدر»، «العمل الاسلامی»، «کیهان العربی»، «الشهادة» و مجله هفتگی «العالم» چاپ لندن، و حتی مجلات کودکان مانند مجله «احمد» (ص ۳۹۰) در لیست منابع وی به چشم می خورند.

و در مقابل، نشریاتی چون «العرفان» چاپ صیدا که تاکنون بیش از هفتاد مجلد از آن منتشر شده و یکی از کهن ترین نشریات اسلامی و شیعی است و نیز مجله «العلم» چاپ عراق و «الاعتدال» چاپ نجف، و «الفکر الاسلامی» چاپ تهران و «الارشاد» چاپ مشهد و ... به بونه فراموشی سپرده شده اند.

روشن نیست که چرا وی آن نشریات را برگزیده و از این دسته مجلات شیعی ایران و عراق و بحرین و هند و پاکستان، غفلت کرده است؟

۶- نادیده گرفتن موضوعات بحث کنفرانسها

در دهه اخیر، دهها سمینار و کنفرانس و نشست علمی و فکری در گوشه و کنار جهان برگزار شده است، تنها در تهران چند سال است کنفرانس سالانه اندیشه اسلامی برگزار می شود. دارالقرآن الکریم در قم، سه کنفرانس فکری درباره قرآن برگزار کرده و کنگره امام رضا و کنگره اقتصاد اسلامی نیز در مشهد چندین نشست علمی داشته اند، که در آنها بحثهای فراوانی درباره قرآن آمده است، که بحثهای ارزشمندی است و غالباً ارزش ثبت و

نشریات در کار خود استفاده کنند.

۹- کوتاهی در شرح و بیان عناوین کتابها

فرهنگهایی این چنین، معمولاً برای ارائه خدمات اساسی به محققین و فراهم آوردن اطلاعات لازم به عنوان یک مرجع علمی تألیف می شوند و باید اطلاعات زیرا به دست دهند:

الف: نام کتاب، یا بحث.

ب: نام کامل مؤلف با تاریخ تولد و وفات.

ج: نسخه های خطی کتاب، اگر داشته باشد.

د: چاپهای گوناگون کتاب با نام بردن همکاران و دستیاران تألیف؛ مانند مترجمان، محققان، ویراستاران و مقابله کنندگان.

هـ- نقدها و چکیده های مختلف کتاب در نشریات.

و: مراجع کتابشناسی که از این کتاب یاد کرده اند.

اگر عنوان، مربوط به بحثی باشد که در یک نشریه به چاپ رسیده، شایسته است موارد زیر، نام برده شوند:

الف- عنوان، ب- نویسنده و همکاران، مثلاً مترجم

و... ج- نام نشریه و شماره مسلسل، و یا شماره مقاله،

تاریخ و شماره صفحه ها.

ولی نویسنده ارجمند پایبند آوردن هیچ یک از این

اطلاعات اساسی و کلیدی نبوده است؛ مثلاً در بیشتر

موارد از ذکر نسخه های خطی کتابها و چاپهای گوناگون

آنها و همکاران هر نویسنده، کوتاهی کرده است. و

همواره از مقابله نسخ و خلاصه های گوناگون آن نیز

غفلت نموده است. و همین روش را در مقالات نشریه ها

در پیش گرفته، و گاه شماره مسلسل و یا تاریخ صدور یا

هر دور از قلم انداخته، که نمونه هایی از این امر در

صفحه های زیر به چشم می خورد:

۳۷۴، ۲۹۴، ۱۵۹، ۱۴۲، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۱

و گاه چنان نام نشریه و نویسنده را در پی هم آورده که

نمی توان دریافت که عنوان مذکور آیا نام مقاله ای است که در آن نشریه ادواری به چاپ رسیده، یا کتابی است که در آن نشریه از آن، یاد شده است و نمونه های این اشتباه در صفحه های زیر آشکار است:

۱۵، ۱۰، ۹، ۸، ۷

۱۰- عدم رعایت ترتیب الفبایی کتابها

ترتیب الفبایی عناوین کتابها، به هم ریخته و نامنظم است؛ به عنوان نمونه صفحه های ۹۱، ۹۲ گویای این امر هستند؛ مثلاً تفسیر أبي الصلت، بعد از تفسیر صدوق، و تفسیر شیخ ابن عبدك بعد از تفسیر شیخ طریحی و تفسیر ابن عقده بعد از تفسیر عزالدین آمده است.

۱۱- برخی از درسها و سخنرانیها ثبت شده و برخی

از قلم افتاده اند

نویسنده، سخنرانی برخی از اندیشوران اسلامی را در این خصوص، یاد کرده مانند صفحهای ۱۵۹ و ۲۶۳، ولی هزاران سخنرانی و درس دیگر را که علما و اندیشمندان دیگر به مناسبتهای مختلف درباره تفسیر و علوم قرآن داشته اند، نادیده گرفته است. همچنین، ایشان بعضی از جزوه های دانشگاهی را ذکر کرده است؛ مثلاً در ص ۲۶۳ از «محاضرات فی التفسیر»، نوشته محمد مهدی آصفی که به صورت جزوه، در میان دانشجویان «کلیه الفقه» در نجف و «کلیه اصول الدین» در بغداد، انتشار یافته، یادآور شده است، اما از دهها جزوه دیگر دانشگاهی درباره علوم قرآن در دانشگاههای ایران و کشورهای دیگر یادی نکرده است.

۱۲- اشتباه در تاریخ وفاتها

نمونه های این گونه اشتباه را در صفحه های زیر می توان یافت:

نمی تواند هزاران عنوان را بررسی و از تکرار جلوگیری کند، ولی هرگاه کتابی با فهرستهای مختلف از ۴۰۰ صفحه تجاوز نکند، چگونه می توان بی نظمی و تکرار در چند صفحه پی در پی را بر او بخشود. اینک نمونه هایی از این تکرار بی جا را نام می بریم:

ص ۱۴ ادعیه القرآن، هبة الدین شهرستانی؛ در ص ۱۷۵ نیز زیر عنوان زبورالمسلمین آمده است.

ص ۵۱ تأویل مشکل القرآن، زیدبن علی؛ در

ص ۳۷۳ زیر عنوان تأویل مشکل القرآن، و در ص ۳۰۷

زیر عنوان غریب القرآن، زید شهید هم آمده است.

ص ۱۲ احکام القرآن، عباد طالقانی؛ در ص ۱۶۵ زیر

عنوان رساله فی إعجاز القرآن

ص ۲۲ إعجاز القرآن بیهقی؛ در ص ۱۶۵ زیر عنوان

رساله فی اعجاز القرآن

ص ۵۴ تجوید القرآن، عمادالدین قاری؛ در ص ۱۶۵

زیر عنوان رساله فی التجوید

ص ۵۸ تجوید القرآن، احسائی؛ در ص ۱۶۵ زیر

عنوان رساله فی التجوید

ص ۵۹ تجوید القرآن، محمدزمان تبریزی؛ در

ص ۱۶۶ زیر عنوان رساله فی التجوید

ص ۷۱ تفسیر ابراهیم ثقفی؛ در ص ۸۲ زیر عنوان

تفسیر الثقفی

ص ۷۱ تفسیر زیادبن منذر؛ در ص ۸۳ زیر عنوان

تفسیر ابی الجارود

ص ۷۱ تفسیر احمدبن صبیح اسدی؛ در ص ۹۱

زیر عنوان تفسیر ابن صبیح

ص ۷۱ تفسیر حسن بن محبوب؛ در ص ۱۸ زیر عنوان

تفسیر ابن محبوب

ص ۷۲ تفسیر محمدبن ارومہ؛ در ص ۱۰۰ زیر عنوان

تفسیر القرآن

ص ۷۲ تفسیر علی بن بابویه؛ در ص ۷۸ زیر عنوان

ص ۹۶، سال درگذشت ابی حمزه، ۹۷۶ ق آمده است، در حالی که در صفحه ۸۴ می گوید: او در سال ۱۵۰ ق رحلت کرده است.

همین گونه اشتباه درباره سال رحلت شیخ بهائی پیش آمده است؛ زیرا در صفحه ۱۱۲ درگذشت او در سال ۱۰۳۰ ق و پس از دو صفحه یعنی در صفحه های ۱۱۵ و ۱۱۶ سال مرگ او را ۱۱۳۰ ق دانسته است.

در ص ۷۲ تاریخ وفات ابن بابویه سال ۳۲۳ ق و در ص ۷۸، سال ۳۲۹ ق، یاد شده است.

۱۳ - ذکر منابع، بدون مشخصات

در صفحه های ۳۹۳ و ۳۹۴، نویسنده لیستی از منابع خود را آورده است، ولی سال و نوبت چاپ آنها و تعداد صفحات و مجلدات هیچ یک از آنها را ذکر نمی کند، فقط منبع شماره ۱۶ در صفحه ۳۹۳ تنها منبعی است که مکان و سال چاپ آن بیان شده است، ولی از این اطلاعات در منابع دیگر خبری نیست.

۱۴ - عدم تعیین اسامی مشترک

در صفحه ۷۲، نام «الفهرست»، بدون هیچ گونه توضیحی وارد شده است، که معلوم نیست آیا این کتاب، همان فهرست «ابن الندیم» است یا فهرست «نجاشی» یا «طوسی» یا «متجب الدین»، «ابن خیر»، «اشبیلی» و یا دیگری؟!

در صفحه ۲۰ نیز نام «طبقات» بدون هیچ گونه شرح و بیانی وارد شده، که روشن نیست آیا طبقات «اعلام الشیعة» مراد است یا «طبقات ابن سعد» و یا دیگری؟!

۱۵ - تکرار

اگر فهرستی دارای مجلدات متعدد باشد، می توان مؤلف را در تکرار برخی عناوین، معذور شمرد، زیرا یک تن

تفسیر ابن بابویه

ص ۷۲ تفسیر، محمد بن الحسن بن الولید؛ در
ص ۱۰۰، زیر عنوان تفسیر القرآن، و یکبار دیگر در
ص ۱۱۲، زیر عنوان تفسیر ابن الولید

ص ۷۷ تفسیر اطروش؛ در ص ۱۰۶ زیر عنوان
التفسیر الكبير

ص ۸۲ تفسیر جابر جعفی؛ در ص ۹۶ زیر عنوان تفسیر
قرآن

ص ۸۴ تفسیر ابی حمزه ثمالی؛ در ص ۹۶ زیر عنوان
تفسیر قرآن

ص ۸۵ تفسیر ابن دؤل؛ در ص ۹۵ زیر عنوان تفسیر
قرآن

ص ۹۴ تفسیر شیخ عمران؛ در ص ۱۶۶ زیر عنوان
رسالة فی تفسیر بعض الآیات

ص ۹۴ تفسیر قتیبه؛ در ص ۱۰۶ زیر عنوان تفسیر کبیر
مشهور به تفسیر قتیبه

ص ۹۴ تفسیر ابی القاسم علوی؛ در ص ۹۸ زیر عنوان
تفسیر القرآن

ص ۹۸ تفسیر قرآن، علی بن مهزیار؛ در ص ۱۱۰ زیر
عنوان تفسیر ابن مهزیار

ص ۱۰۲ تفسیر قرآن، مصطفی کاشانی؛ در ص ۱۱۰
زیر عنوان تفسیر مختصر...

ص ۱۰۲ تفسیر قرآن، ابی منصور صرام؛ در ص ۱۱۰
زیر عنوان تفسیر ابی منصور صرام

ص ۱۰۴ تفسیر ابن عباس، جلودی؛ در ص ۱۱۵ زیر
عنوان التزیل ابن عباس

ص ۱۱۲ تفسیر وجیز، بهاء الدین عاملی؛ در ص ۱۱۵
زیر عنوان تهذیب البیان فی ترتیب القرآن ونیز در ص ۱۹۸

زیر عنوان العروة الوثقی فی تفسیر القرآن، و در ص ۱۹۹
زیر عنوان العروة الوثقی فی تفسیر القرآن

ص ۱۶۰ دلائل براهین الفرقان، مرندی؛ در همان

صفحه زیر همان عنوان

ص ۲۰۰ العلاقة الجنسية فی القرآن الکریم.
محمد مهدی آصفی؛ در ص ۳۰۵ زیر عنوان النظرية الجنسية
فی القرآن الکریم

ص ۲۲۲ فی القرآن و الدعاء، عبدالله شبر؛ در
ص ۲۲۸ زیر عنوان القرآن و الدعاء

ص ۲۳۶ قواعد التجويد، محمد جواد عاملی؛ در
ص ۵۹ زیر عنوان تجويد القرآن

ص ۲۲۴ كشف البیان یا نهج البیان فی تفسیر القرآن،
محمد بن الحسن الشیبانی؛ در ص ۱۱۱ با عنوان تفسیر

منهج البیان عن كشف معانی القرآن، و در ص ۳۰۷
زیر عنوان نهج البیان عن كشف معانی القرآن

ص ۲۵۷، ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین -ع-
مرزبانی؛ در ص ۲۵۹ زیر عنوان ما نزل من القرآن فی

علی -ع-

ص ۲۷۴ تأویل الآیات، شرف الدین حسینی
استرآبادی؛ در ص ۴۸ و ۴۹ زیر عنوان تأویل الآیات
الظاهرة....

مؤلف می توانست از بسیاری از این تکرارها
خودداری کند به این صورت که در هر یک از این عنوانها به
عنوان قبلی ارجاع دهد، و به صورت «تقدم» یا «یأتی» از آن
بگذرد.

۱۶ - بی ارتباط بودن برخی کتابها با عنوان این

معجم

نویسنده محترم برخی از کتابهای فقهی و اصولی و غیره را
به دلیل اشتباه برداشت از نام آنها در شمار کتابهای علوم
قرآنی آورده است به شرح زیر:

صفحه نام کتاب

۹ آیات الوصول إلى علم الاصول، محمد باقر

ملکی میانجی

۸۳	تفسیر الجامی، عبدالرحمن بن احمد نحوی	۵	الآیات الباهرات فی معجزات النبی و الأئمة الهداة
۹۲	تفسیر ابن عقده، ابن عقده زیدی جارودی	۶	الآیات الجلیة فی ردّ شبهات الوهابیة
۳۷۰	الانوار المبسلة فی بعض خواص البسلة، حسن الیمنی المکی	۲۳۳	قراءة سورة بعد الحمد أو آية
۳۷۸	التنزیل فی امیر المؤمنین و أهله، أبی الفرج اصفهانی	۳۶۹	اصول السنة و الكتاب (در اصول فقه)، و غیر از اینها.
۲۷۳	مشکل اعراب القرآن، مکی بن ابی طالب		همچنین نام کتابهای را که نویسندگان آنها شیعه نبوده اند، اشتباهاً به جای کتابهای شیعه آورده است؛ مانند:

۱۷ - اشتباهات

در این فرهنگ، اشتباهات فراوانی نیز به چشم می خورد، به عنوان نمونه:

صفحه	نام کتاب
۷۹	التفسیر البسیط، علی بن احمد الواحدی

درست

محمدباقر الخراسان الموسوی
بی آزار شیرازی
ابن أبی الثلج
الدكتور محمد حسین بهشتی البهبهانی
المشهد المقدس یا مشهد المقدسة
محمد الصادق الطهرانی
التنزیل و التحریف
ابو محمد الحسن النوبختی
الذریعة ۴/۴۵۵
جوامع الجامع
عبدالله الشبر
در سطر آخر تکرار شده است
محمد بن محمد بن النعمان
الكاف الشاف من كتاب الكشاف
بهاء الدین محمد
ابن الجحّام
الذریعة ۳/۹۳

صفحه نادرست

۹	محمدباقر الخراسانی الموسوی
۱۰۳	أبی آزار شیرازی
۸۲	تفسیر ابن أبی ثلج
۱۰۰	الدكتور محمد بهشتی
۱۸۵	البهبهانی
۱۸۸	مشهد المقدس
۲۱۳	محمد الصادق الطهرانی
۲۲۵	القرآن فی التنزیل و اقسام القرآن
۱۱۵	محمد الحسن النوبختی
۱۱۵	الذریعة ۴/۴۵۰
۱۲۵	جامع الجوامع فی التفسیر
۱۲۸	السید عبدالشبر
۱۵۶	عبدالصبور شاهین
۱۶۱	محمد بن النعمان
۲۴۰	الكافی و الشافی
۳۷۹	بهاء الدین بن محمد
۲۵۸ و ۲۵۶	ابن الحجّام
۱۷۹	الذریعة ۲۴/۳۴۰

۷۹ طبع فی ایران و العراق

۲۲۴ قیس من تفسیر القرآن، لعلی سماکة الحلّی ۲۲۴ طبع
فی النجف سنة ۱۹۳۱ م بتحقیق السیداحمد الحسینی
۳۷۰ بحوث طبعت فی جریده الجهاد السنة الأولى ۱۴۰۰ هـ

۳۸۱ مجلة دراسات و تحقیقات

۳۹۴ المجلدات

تفسیر برهان در عراق چاپ نشده است

تاریخ چاپ کتاب با تاریخ زندگی مؤلف که متولد ۱۹۳۱ م
در نجف است تناسب ندارد.

مجله «الجهاد» نه روزنامه «الجهاد»، زیرا روزنامه
«الجهاد» یک سال بعد از آن تاریخ منتشر شده است.

دراسات و تحقیقات نام کتابی است نوشته محمدعلی
حسینی، و مجله نیست.

المجلات

۱۸ - نادیده گرفتن پایان نامه های دانشگاهی

نویسندگان شیعه امامیه در دوران معاصر شمار
بسیاری از رساله های لیسانس و فوق لیسانس و فوق دیپلم
و دکترا را در دانشگاههای جهان به مطالعات قرآنی
اختصاص داده اند. این امر در دانشگاههای ایران، هند،
پاکستان، عراق، مصر و لبنان، مشهور است و ارزش
تحقیقی و علمی فراوانی دارد.

ولی نویسنده محترم، تنها تعداد اندکی از این رساله ها
و دانشنامه ها را یاد کرده است، با اینکه می دانیم
دانشگاهها هر یک برای خود فهرستهای کتابشناسی ویژه
ای درباره رساله های فارغ التحصیلان مقاطع مختلف
دارند، و نشریات ویژه ای نیز چون مجله «المورد» چاپ
بغداد و «عالم الکتب» چاپ ریاض و ... برای ثبت این
رساله ها اختصاص یافته اند. فهرستها در کتابهای مستقل
نیز به چاپ می رسند.

در پایان یادکرد دو نکته را لازم می دانیم: نخست
اینکه این گونه کارها اطلاعات گسترده ای از علوم و
مهارتهای علمی در زمینه کتابشناسی را می طلبد که بدون
آن، گام زدن در این وادی، بی ثمر خواهد بود. و دیگر
اینکه محققان این گونه آثار، نیک می دانند که مخاطبان

آنان خوانندگان عادی نیستند بلکه اندیشوران هوشیار و
نکته سنجان ژرف اندیشی هستند که از سر بصیرت به کتابها
می نگرند. پس لازم است که در کارهای خود، حوصله
بیشتری به خرج دهند و جانب دقت را نگه دارند.

با سپاس و ستایش خدای بزرگ و به این امید که
کارهای علمی و فرهنگی ما ژرفای بیشتری یابد.

بی نوشت:

ر. ک: رساله القرآن، شماره ۳، (۱۴۱۱ق). ص ۲۰۰-۲۰۲.

